



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2024.19157.2283

Relocation of the Herritage of Traditionalists and Narrations of Jibril bn Ahmad Fariabi with Emphasis on Kashshi's Rijal¹

kowsar Yousefi Najafabadi²

Hossein Sattar^{3*}

Ruhollah Shahidi⁴

Mohammad Hadi Yousefi Gharavi⁵

Abstract

The history of Shi'i traditionalist sources precedent to the early traditionalist 'Asl' books is not clear in some aspects except for some brief reviews, based upon supposition, of their contents. In order to reconstruct the traditionalist sources and historiography of Shi'i traditionalists, it seems necessary to relocate the works of Jibril bn. Ahmad Fariabi as one of the frequently-narrated scholars of Khorasan by Kashshi, the author of one of the early traditionalist Asls. This research, with descriptive-analytical approach, and using methods such as analysing the documents, locating the common segments, and elaborating semantic relationships of the narrations tries to relocate Jibril as a traditionalist and narrator as well as his works, and discover his pattern and basis in narrating traditions as an early textualist traditionalist. Thus, by evaluating his narrations from each chief scholar, it was proved that he had used Al-Rijal of Mohammad bn. Isa in form of hearing, and Almazmumeen and Almamduheen of Mohammad bn. Abdullah bn. Mehran was indicated. Also, his tendency to polemical thoughts of Mohmd bn. Isa and disagreement with polemical and narrative views of Zurara, using the 'Ghali' (exaggerators) sources, and denying him as the author of Mafakhir A-Kufa wa Al-Basra was clarified. His approach as a positive textualist traditionalist was also specified. Having into consideration Jibril's thought and manner of narrating, Kashshi has benefitted from his narrations to explain other narrations and has criticised them in fewer occasions.

Keywords

narration, traditionalists, sources, relocating.

Article Type: Research

1. This work is based upon research funded by Iran National Science Foundation (INSF) under project No 4013269.
2. Ph.D. Student of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Literature, Kashan University, Iran. Email: ky.yusefi@grad.kashanu.ac.ir
3. Responsible Auther, Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Literature, Kashan University. Iran. Email: sattar@kashanu.ac.ir
4. Assistant Professor of Quran and Hadith Department, Faculty of Theology, Faryabi College, University of Tehran, Qom. Iran. Email: shahidi@ut.ac.ir
5. Seminary Professor, History Researcher, Qom. Iran. Email: yusufi.gharawi@gmail.com

Received on: 09/08/2023 Accepted on: 12/09/2023

Copyright © 2024, Yousefi Najafabadi, Sattar, Shahidi & Yousefi Gharavi

Publisher: Imam Khomeini International University.





تلفن: ۰۲۱-۲۸۹۵-۲۵۸۸
شماره مجله: ۰۲۱-۴۴۱۷-۲۵۸۸

مطالعات فهم حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2024.19157.2283

بازیابی میراث رجالی و روایی جبریل بن احمد فاریابی با تأکید بر رجال کشی^۱

کوثر یوسفی نجف آبادی^۲

حسین ستار^۳

روح الله شهیدی^۴

محمد هادی یوسفی غروی^۵

چکیده

تاریخ رجال شیعه پیش از اصول اولیه رجالی از جهات مختلف روشن نیست و هر آنچه هست مروری گذرا و بنیاد نهاده بر حدس، بر درون مایه آن‌هاست. در راستای بازسازی منابع رجالی و نگارش تاریخ رجال شیعه، بازیابی آثار جبریل بن احمد فاریابی - به عنوان یکی از اساتید خراسانی پر بسامد کشی و صاحب کتاب رجالی - مهم به نظر می‌رسد. این پژوهش با روشی توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از شیوه‌هایی چون تحلیل اسناد و یافتن حلقه مشترک و تبیین روابط معنایی میان روایات سعی دارد تا شخصیت روایی و رجالی جبریل و آثار وی را بازیابی کند تا از این منظر الگو و مبنای وی در نقل روایات به عنوان یک رجالی نص‌گرای متقدم را کشف کند. بدین روی با ارزیابی روایات او از هر یک از مشایخ؛ استناد وی به کتاب «الرجال» محمد بن عیسی به شکل سماع و «المذمومین و الممدوحین» محمد بن عبدالله بن مهران مشخص شد. این پژوهش ضمن تحلیل گرایش فاریابی به اندیشه‌های کلامی محمد بن عیسی و مخالفت وی با دیدگاه کلامی و حدیثی زراره، بهره‌گیری از منابع عالی و عدم انتساب کتاب مفاخر الکوفه و البصره به وی را نشان می‌دهد. نوشتار حاضر ضمن تبیین رویکرد وی به عنوان یک رجالی نص‌گرای مبنامند؛ نشانگر آن است که کشی با توجه به شیوه تحدیث و اندیشه‌های جبریل؛ غالباً از منقولات وی در شرح روایات دیگر بهره برده و کمتر به نقد آن‌ها پرداخته است.

کلیدواژه‌ها

حدیث، رجال، منابع، بازیابی.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. این اثر تحت حمایت مادی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوریان کشور (INSF) برگرفته شده از طرح شماره «۴۰۱۳۲۶۹» انجام شده است.
۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات، دانشگاه کاشان، ایران (این مقاله مستخرج از رساله دکتری است). ky.yusefi@grad.kashanu.ac.ir
۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات، دانشگاه کاشان، ایران (نویسنده مسئول). sattar@kashanu.ac.ir
۴. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشکده الهیات، دانشکدگان فاریابی، دانشگاه تهران، قم، ایران. shahidi@ut.ac.ir
۵. استاد حوزه علمیه، پژوهشگر تاریخ، قم، ایران. yusufi.gharawi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

تاریخ رجال شیعه پیش از اصول اولیه رجالی از جهات مختلف روشن نیست. آنچه در کتاب‌هایی چون «آشنایی با کتب رجالی شیعه»؛ محمدکاظم رحمان‌ستایش، «مآخذشناسی رجال شیعه»؛ رسول طلائیان، «تاریخ رجال الشیعة»؛ حیدر حب‌الله و ... آمده، اشارتی به نام این نگاشته‌ها و مروری گذرا، نه چندان دقیق و بنیاد نهاده بر حدس و گمان، بر درون‌مایه آن‌هاست.

در راستای بازسازی منابع پیش‌گفته و کنشگران رجالی در آن دوران و زمانه و نگارش تاریخ رجال شیعه، جبریل بن احمد فاریابی به عنوان یکی از اساتید پر بسامد کشی صاحب یکی از اصول اولیه رجالی در کتاب رجالش مهم به نظر می‌رسد. در میان اسامی مشایخ کشی نام جبریل بن احمد به گونه‌ای نمایان است که مخاطب به جایگاه خاص جبریل و آثارش نزد کشی پی می‌برد.

از سویی درباره جبریل و شخصیت او در کتب رجالی اطلاعات درخور توجهی در دست نیست و هر آنچه هست به واسطه آگاهی‌هایی است که کشی نسبت به جبریل و اثرش در کتاب خود داده و یا عسقلانی در قرن ۹ در «لسان المیزان» با واسطه ابن النجاشی مطرح می‌کند. گفته‌ی مختصر طوسی نیز کمی درباره شخصیت‌شناسی جبریل می‌تواند راه‌گشا باشد. بدین روی با توجه به فقدان منابع و مصادر رجالی پیشین و مبهم بودن شخصیت رجالی و حدیثی و کلامی جبریل بن احمد این پژوهش به روش‌های بازیابی مصادر مفقود بر پایه تحلیل سند و متن روی آورده است.

با توجه به این‌که از جمله مباحث قابل توجه در پژوهش‌های رجالی، مبانی جرح و تعدیل و عوامل اثرگذار بر نوع رأی رجالی است، که در تعیین اعتبار و وزن اقوال رجالیان متقدم بسیار اثرگذار است. یکی از دغدغه‌های مقاله پیش‌رو ترسیم این نکته در اقوال جبریل بن احمد فاریابی است تا نشان دهد که چگونه تمایل او به جریان‌های اندیشگانی در عراق و ... در نقل روایت اثرگذار بوده است. از دیگر سو این نکته می‌تواند در تحلیل چرایی و چگونگی تعارض نماها در رجال کشی هم اثرگذار باشد.

نکته قابل توجه این است که آرای رجالیانی چون جبریل بن احمد در قالب روایت و نصّ القا شده است. تصور بدوی بر آن است که نص‌گرایان پیشین بدون اندیشه و چارچوب پیشینی، آنچه را در خزانه محفوظات و مکتوبات داشته‌اند، نقل می‌کردند (به

عنوان نمونه بنگرید به سلیمانی و دیگران، ۱۴۰۲ش، ۸۱-۱۰۸. نویسندگان تصریح دارند که مورخان و رجالیون فقط به بررسی وثوق متنی و سندی بسنده نموده‌اند؛ حال آن‌که این پژوهش می‌کوشد بر اساس یک الگویی منسجم که راهکار اصلی آن کنار هم قرار دادن قرائنی چون گرایش‌های استادان جبریل، سنخ‌شناسی منابع و توجه به هم‌نوایی محتوایی نقل‌های او است، به این پرسش پاسخ دهد که آیا او محدثی مینامند و یا نقلی باری به هر جهت بوده است.

گفتنی است که آنچه هست، نه جبریل بن احمد بما هو جبریل بن احمد، بلکه جبریل بن احمد کشی است، یعنی در این پژوهش به او غالباً از زاویه نگاه کشی نگریسته و معرفی شده است. از این رو بخشی از این مقاله به کارکرد اقوال فارابی در کلان‌رجال کشی، ویژه شده است. علاوه بر آن بخشی از دغدغه‌های این پژوهش بررسی مدرسه حدیثی خراسان و اندیشه‌های رایج در آن است که با وجود پژوهش‌های موجود کماکان با ابهام رو به روست و به تحلیل محتوایی دقیق و روشمند روایات نقل شده از خراسانیان چندان پرداخته نشده است.

اهمیت دیگر این پژوهش در آن است که درباره رهیافت کشی در رجال خود نیز پژوهش درخور توجه و مستقلی وجود ندارد و این مقاله سر آن دارد که از طریق شناسایی اساتید و منابع کشی و اندیشه‌شناسی ایشان، گامی در کشف رهیافت کشی باشد و دشواری‌های موجود در آرای رجالی او را از این رهگذر بررسد. از جمله دشواریهای بررسی رجال کشی؛ روایات متعارض در توثیق و ذم او در خصوص راوی واحد است (به عنوان نمونه بنگرید به شمشی، ۱۳۹۹ش، ۱۵۱).

پژوهش‌هایی پیرامون جبریل و نگاشته او توسط باقری و انصاری تدوین شده است. باقری (۱۳۹۰ش) در مقاله خود پس از معرفی جبریل بیشتر تلاش کرده است تا انتساب کتاب «مفاخر الکوفة و البصرة» به جبریل و کیفیت روایات آن را نشان دهد. حسن انصاری (۱۳۹۲ش) در نوشتاری در سایت کاتبان تنها انتساب این کتاب به جبریل را نقد کرده است لیک نگارنده نگاهی کلان‌تر به آثار جبریل دارد و در تلاش است تا با تحلیل شخصیت جبریل و روایات او میراث رجالی و روانی جبریل بن احمد فارابی را با تأکید بر رجال کشی بازیابی کند.

در مطالعه این پژوهش بیان این نکته ضروری است که با توجه به فراوانی ارجاع به روایات کتاب «اختیار معرفه الرجال» شماره هر روایت بر طبق نسخه مصطفوی در مقابل هر عبارت آمده است و از تکرار عبارت ارجاع خودداری شده است.

۲. شناخت نامه «جبریل بن احمد فارابی»

«جبریل بن احمد فارابی» حدود ۸۱ روایت^۱ در «اختیار معرفه الرجال» را از آن خود کرده است و این فزونی روایات او در یکی از مهم‌ترین کتب رجالی اهمیت شناخت او را بیشتر می‌کند. نکته قابل تامل، شناخته نبودن شناسه جبریل بن احمد الفارابی در کتب دانشیان رجالی است، کهن‌ترین داده موجود درباره این شناسه به کتاب «اختیار معرفه الرجال» و پس از آن به «الرجال» طوسی بازمی‌گردد.

کشی برای شیخ خود از شناسه جبریل (۱۳۲)^۲، جبریل بن أحمد (۲۱)، أبو مُحَمَّد جبریل بن مُحَمَّد الفارابی^۳ (۷) جبریل بن أحمد الفارابی (۹۶) جبریل بن أحمد الفارابی البرناتی (۱۳) استفاده می‌کند. توصیف دیگری نسبت به جبریل از کشی دیده نمی‌شود.

براساس شناسه‌های به کار رفته در کلام کشی جبریل را باید از اهالی فاریاب دانست، «فارابی» منسوب به فاریاب، شهری معروف در خراسان و از توابع جوزان و در نزدیکی بلخ و غرب رودخانه جیحون است و به آن «فیریاب» نیز گفته می‌شود (حموی، ۱۹۹۵، ۴: ۲۲۹؛ ابن‌شمانل، ۱۴۱۲ق، ۱: ۴۵۵؛ مهلبی، بی‌تا، ۱۵۴). منسوبان به شهر فاریاب که در فارسی پاریاب گفته می‌شود را «الفریابی» و «الفریابی» نیز نامیده‌اند (تمیمی‌سمعانی، ۱۳۸۲ق، ۱۰: ۱۲۸).

طوسی بعد از معرفی کنیه و محل زندگی جبریل در کش، از او به عنوان کسی که از علمای عراق و قم و کش روایات فراوانی نقل می‌کند، یاد می‌کند (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۴۱۸). آنچه از کلام طوسی برمی‌آید گستردگی تلاش جبریل در انتقال میراث حدیثی است. این جنبه از شخصیت او دقیقاً متناسب با فراوانی سفرهای او به عراق و قم و خراسانی که ساکنش بوده؛ می‌باشد. هرچند در آثار شیعیان به غیر از کشی و برخی روایات نقل شده در کتاب‌های صدوق^۴ (نک: ۱۳۸۵ش، ۱: ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۶۱، ۲۴۵؛ ۱۳۹۵ق، ۱: ۳۱۶، ۳۲۹؛ ۲: ۳۵۱-۳۵۲، ۴۸۰، ۶۴۲؛ ۱۴۰۳ق، ۶۳) و عیاشی (۱۳۸۰ق، ۲: ۳۴۳، ۳۴۹) اثری از او باقی نمانده است. بدین‌روی شاید بتوان جبریل را به عنوان یک عامل مهم در انتقال میراث روایی حوزه‌های حدیثی خراسان و قم و عراق به شمار آورد.

۱. آمار بر طبق شمارش اسناد است.

۲. شماره‌های درج شده میان دو پراکنش در این نوشتار شماره روایت در کتاب اختیار معرفه الرجال در نسخه مصطفوی است.

۳. با توجه به زنجیره اسناد و تشابه اسم جبریل در این سند مشخص می‌شود نام پدر جبریل از احمد به محمد تصحیف یافته است.

۴. طریق صدوق به روایات جبریل از المظفر بن جعفر بن المظفر العلوی السمرقندی از جعفر فرزند عیاشی و سپس از عیاشی است.

مفصل‌ترین توصیف از جبریل متعلق به ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ق) است. توصیف وی به عنوان یک عالم اهل سنت در میان محدود توصیفات باقی مانده به تنهایی ارزشمند و قابل بررسی است. وی می‌نویسد: «جَبْرِيلُ بْنُ أَحْمَدَ الْفَارِيَّابِيِّ أَبُو مُحَمَّدٍ الْكَشِّيُّ؛ قَالَ أَبُو عَمْرٍو الْكَشِّيُّ حَدَّثَنَا عَنْهُ مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ وَغَيْرُهُ وَكَانَ مُقِيمًا بِكَيْسَلِيَّةٍ حَلَقَةً كَثِيرًا الرَّوَايَةِ وَكَانَ فَاضِلًا مُتَحَرِّيًا كَثِيرَ الْإِفْضَالِ عَلَى الطَّلِبَةِ وَقَالَ ابْنُ النَّجَّاشِيِّ مَا ذَاكَرْتُهُ بِشَيْءٍ إِلَّا مَرَّ فِيهِ كَأَنَّمَا يَقْرَأُهُ مِنْ كِتَابٍ مَا رَأَيْتُ أَحْفَظَ مِنْهُ وَقَالَ لِي مَا سَمِعْتُ شَيْئًا فَنَسِيْتُهُ ذَاكَرَةً فِي رِجَالِ الشَّيْعَةِ» (عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ۲: ۹۴-۹۵).

هرچند برای این نقل عسقلانی از کشی منبعی غیر از «لسان المیزان» نمی‌توان یافت و شاهدی بر آن در اثر کشی «اختیار معرفه الرجال» وجود ندارد لیک به دلیل توصیف نسبتاً جامع‌تر آن از جبریل نسبت به عبارات دیگر دانشیان، پژوهندگان را به درنگ در آن وا می‌دارد (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به آذری فرد و ستار، ۱۴۰۲ش، ۷۱-۹۷). شناخت مصداق ابن النجاشی در کلام عسقلانی به عنوان کسی که جبریل را توصیف می‌کند مهم است. در این رابطه دو احتمال را می‌توان بیان کرد.

برخی بر این باورند که مقصود از «ابن النجاشی» عیاشی است که در اثر تصحیف نام او چنین ثبت شده است. حسن انصاری شاگردی عیاشی از جبریل را دلیل این ادعا بیان می‌کند (انصاری، ۱۳۹۲ش). چرا که عبارت ابن النجاشی بر شهادت از روی حس دلالت دارد. لیک این جمله در آثار باقی مانده از عیاشی نیز دیده نمی‌شود.

اما اگر مقصود عسقلانی از ابن النجاشی را احمد بن علی نجاشی صاحب کتاب «الرجال» بدانیم امکان دیدار این دو با توجه به دوری زمان زندگی آنان وجود ندارد و افزون بر این، نه تنها این عبارت در کتاب «الرجال» مویدی ندارد بلکه نجاشی اصلاً از شناسه جبریل بن احمد الفاریابی سخنی نمی‌گوید. بدین ترتیب گوینده این عبارات در نقل عسقلانی ناشناخته است هرچند احتمال اول نسبت به دوم ترجیح دارد.

در این گزارش عسقلانی چند نکته جلوه‌گر است؛ اول آن که طریق دست‌یابی کشی به جبریل از طریق عیاشی است هرچند براساس عبارت‌های تحدیثی کشی نوع دست‌یابی وی به پاره‌ای از آثار جبریل بلاواسطه و برخی با واسطه است و امکان دیدار این دو قابل بیان است.^۱ دوم لفظ «غیره» مطابق با توصیف طوسی از جبریل مبنی بر ارتباط‌گیری با علما است. سوم تعبیر «لَهُ حَلَقَةٌ كَثِيرَةٌ الرَّوَايَةِ» نشان از گستردگی تلاش‌های او در انتقال روایات در قالب حلقات مختلف حدیثی است. این عبارت او را بیش از یک شیخ عادی

۱. در ادامه شواهد به صورت مفصل بیان می‌شود.

حدیثی؛ بلکه دارای مدرسه و حلقه درسی دانسته است. چهارم توصیف او به «فاضلاً» نشان از علم او به دانش حدیث است. پنجم «مُنَحَّرَبًا» دلالت بر روحیه جست‌وجوگری او در کسب و انتقال میراث روایی است. ششم «كَثِيرُ الْإِفْضَالِ عَلَى الطَّلِبَةِ» می‌تواند حکایت از روحیه بخشندگی در علم و انتقال میزان زیادی از روایات به شاگردانش باشد. هفتم عبارت پایانی نقل از ابن النجاشی است که دلالت بر قدرت حفظ جبریل دارد. عدم یادکرد طوسی در «فهرست» از جبریل می‌تواند ناشی از عدم شناخت وی در زمان تدوین کتاب باشد و حضور نام جبریل در رجال طوسی نیز بعد از تالیف «فهرست» انجام شده است (انصاری، ۱۳۹۲ ش).

بدین روی جبریل شخصیتی جست‌وجوگر برای دریافت حدیث و پرتلاش در انتقال آن به طالبان حدیث داشته به‌گونه‌ای که در انتقال گنجینه روایی خود هیچ بخشی نمی‌ورزید و آنچه در شخصیت او هویداست روحیه نقل روایت از حافظه قوی وی است.

۳. اندیشه‌شناسی جبریل بن احمد الفاریابی

در راستای فهم اندیشه جبریل در کلام و حدیث و روش‌شناسی وی در نقل روایات در ابتدا به بیان طرق دست‌یابی کشی و گام بعد به واکاوی مشایخ جبریل و روایات نقل شده از آن‌ها توسط جبریل پرداخته خواهد شد.

۳-۱. طریق کشی در دست‌یابی به روایات جبریل بن احمد

طریق کشی برای نقل روایات جبریل به‌دوشکل است؛ گاه به‌صورت مستقیم از جبریل روایات را می‌آورد و گاه در سلسله‌سند از عیاشی به‌عنوان ناقل روایات جبریل به‌وی یاد می‌کند.

الف) روایات مستقیم کشی از جبریل ۴۸ روایت است که در ۲۳ نقل برای بیان کیفیت طریق خود به جبریل عبارات تحدیث خاصی؛ نظیر «وَجَدْتُ بِحَظِّ» (۱۹۲، ۱۹۳، ۴۲۷، ۵۳۷، ۷۱۳، ۸۳۱، ۸۳۸، ۸۴۲، ۹۹۱، ۹۹۵، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۴۶، ۱۰۹۰، ۱۰۹۳؛ ۱۰۹۳:۲)، «وَجَدْتُ بِحَظِّ جِبْرِيلَ بْنِ أَحْمَدَ فِي كِتَابِهِ» (۵۸۹، ۸۶۲، ۹۳۳)، «فِي كِتَابِ جِبْرِيلَ بْنِ أَحْمَدَ بِحَظِّهِ» (۵۷۳، ۷۴۱) را به‌کار برده است و در ۲۵ نقل از هیچ عبارت تحدیثی در ابتدای اسناد استفاده نکرده و یا به‌ذکر «حَدَّثَنِي» اکتفا کرده است (۷، ۱۳، ۲۱، ۲۶:۱، ۲۶:۲، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۷، ۹۶، ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۶۳، ۱۷۶، ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۳).

ب) ۳۲ روایت با واسطه عیاشی به جبریل نقل شده که ۱۶ روایت آن همراه با عبارت تحدیث «حَدَّثَنِي»، «حَدَّثَنَا» و «وَحَدَّثَنِي» در آغاز سند است (۲۲۸، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۳۵۰، ۴۳۵، ۴۷۹، ۴۸۰) و باقی روایات بدون هیچ عبارت تحدیثی آغازین است (۲۲، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۹۷، ۴۳۶، ۴۳۷، ۵۲۲، ۵۸۱، ۷۱۰، ۷۳۲، ۹۳۸).

شوشتری معتقد است که تمام روایات جبریل با واسطه عیاشی به کشی رسیده است (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ۵۶۵). این سخن را بدین شکل می‌توان شرح داد که بر اساس ویژگی اسناد، نقل‌های کشی از جبریل را می‌توان در دو دسته طبقه بندی کرد. دسته اول روایاتی است که کشی به‌گاه نقل روایات جبریل از کتاب «الرجال» محمد بن عیسی بر واسطه‌گری عیاشی برای دستیابی وی به آن روایات تأکید می‌کند و در هیچ‌یک عبارت تحدیث دال بر وجاده بودن روایات را به کار نمی‌بندد که این امر نشان از استفاده مستقیم کشی از عیاشی در نقل این دسته از روایات است. اما در دسته دوم نقل‌ها شاهد آن هستیم که آن‌گاه که کشی روایات جبریل را که از مشایخی غیر از محمد بن عیسی است می‌آورد از ذکر نام عیاشی خودداری و در مقابل از عبارات تحدیث دال بر وجاده بودن روایات بهره می‌برد که می‌تواند نشان از یافت این روایات در کتابخانه عیاشی باشد. اما در هر دو صورت عیاشی در دستیابی کشی به آن روایات نقش داشته است.

افزون بر این در شیوه بهره‌گیری کشی از جبریل به‌گاه نقل مستقیم می‌توان به شیوه سماع نیز اشاره کرد. کشی در نقل ۱۳۱^۴ از عبارت «حَدَّثَنِي وَ نَسَخْتُ مِنْ حَظِّهِ» استفاده می‌کند که دلالت بر دیدار و سماع وی از جبریل می‌کند که برآیند آن چنین می‌شود که کشی برخی روایات را از جبریل شنیده اما به وقت کتابت آن یا از نسخه عیاشی استفاده کرده است و یا به اثر جبریل به صورت وجاده دست یافته است و احتمالاً خود اثری از جبریل به شکل اجازه دریافت نکرده است.

۲-۳. مشایخ جبریل

واکاوی مشایخ، گونه‌شناسی و کشف رابطه مضامین نقل شده از آن‌ها با شخصیتشان می‌تواند در شناخت بهتر منابع مورد استفاده جبریل ره‌گشا باشد.

۱. این روایت تعلیق به ۲۸۴ است.

۲. این روایت تعلیق به ۴۳۶ است.

۳. هرچند نام محمد بن مسعود در ابتدای اسناد ۵۸۱ و ۷۳۲ و ۹۳۸ نیامده است اما در ادامه نوشتار اثبات می‌شود که عیاشی در طریق نقل آن‌ها قرار داشته است.

۴. «حَدَّثَنِي أَبُو أَحْمَدُ وَ نَسَخْتُ مِنْ حَظِّهِ، حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَهْرَانَ...».

۳-۲-۱. محمدبن عیسی بن عبید یقطینی

نگاه به مجموعه روایات جبریل، بسامد بالای نقل وی از محمدبن عیسی بن عبید یقطینی نسبت به دیگر اساتید وی را مشخص می‌کند.^۱ نکته قابل توجه نقل تمامی روایات جبریل از محمدبن عیسی با واسطه‌گری عیاشی به کشی است به جز روایات ۲۴۴ و ۲۴۵. روح کلی در این روایات عدم استقامت و یا انحراف در اندیشه و روش را در عده‌ای و یا جریانی از اصحاب ائمه (ع) نشان می‌دهد. شرح موضوعی روایات بدین‌گونه است:

۱- هرچند در روایت ۲۲ سخن از استقامت مقدار بر حق است اما درصدد بیان انحراف اغلب اصحاب است.

۲- ۲۳ روایات در ذم زراره و یاران او همچون محمدبن مسلم، بریدبن معاویه و اسماعیل جعفی و نیز اصحابی همچون هشام بن حکم و ابوالخطاب و شهاب بن عبد ربه است (۲۲۸، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۷، ۳۵۰، ۴۳۵، ۴۷۹، ۴۸۰، ۵۲۲، ۷۸۰). این دسته از روایات نیز حکایت از نوعی انحراف در راویان است؛ همچون مرگ در گمراهی زراره (۲۴۰)، نظر اشتباه محمدبن مسلم در استطاعت (۲۸۲) بدتر از میتة بودن شهاب بن عبد ربه (۷۸۰) و ...

۳- یک روایت در لعن قاتل معلی بن خنیس یعنی سیرافی و فرمان قتل او توسط امام صادق (ع) است (۷۱۰).

۴- سه روایت با موضوع علی بن یقطین که حکایت از رضایت و رحمت طلبی امام و حضور ۱۵۰ نماینده از سوی او در حج است.

تنها کسانی که در میان روایات با طریق عیاشی از جبریل از محمدبن عیسی مدح شده‌اند علی بن یقطین و مقدار هستند (۸۰۹، ۸۱۲، ۸۱۵)، کسانی که شبهه‌ای در پیروی آن‌ها از امامشان نیست.

با نگاه به مضمون دو روایت جبریل از عیاشی از موسی بن جعفر^۲، هم‌سویی مضمونی این دو روایت که هر دو در ذم زراره است با دیگر روایاتی که عیاشی از جبریل از محمدبن عیسی نقل کرده است، مشخص می‌شود. این مسأله در کنار تحلیل دیگر روایات جبریل سبب شناخت باور رجالی و کلام وی خواهد شد. این فرض در ادامه با تحلیل کل روایات جبریل از این مشایخ بررسی می‌شود.

نکته مهم حضور چهار روایت بدون واسطه‌گری عیاشی برای کشی است یعنی

۱. حضور محمدبن عیسی در ۴۵ سند از اسناد جبریل همچون ۲۱، ۲۲، ۲۷ و ...

۲. نقل‌های ۲۴۴ و ۲۴۵.

کشی بدون واسطه این روایات را از جبریل نقل می‌کند: مضمون روایت ۴۳۷^۱ در ذم زراره، ۵۸۱ کافر بودن مفضل بن عمر، ۷۳۲ تزید عبدالله بن میمون و ۴۳۷ اخذ معالم دین از یونس بن عبدالرحمن است. موضوع این نقل‌ها کاملاً در راستای روایاتی است که کشی با واسطه‌گری عیاشی از جبریل می‌آورد و در ابتدای سند هیچ عبارت تحدیثی به‌کار نرفته پس روایات را می‌توان تعلیق به عیاشی دانست که در ابتدای سند حذف شده است.

استفاده جبریل در دو روایت ۷۳۲ و ۹۳۸ از عبارت تحدیثی «قَالَ سَمِعْتُ» برای محمد بن عیسی برخلاف عبارت به‌کار رفته دیگر روایات «قَالَ حَدَّثَنِي» یا «حَدَّثَنِي» می‌تواند نشان از شیوه بهره‌برداری جبریل از محمد بن عیسی باشد؛ یعنی وی کتاب «الرجال» محمد بن عیسی را به شکل سماع دریافت کرده و با او حداقل در یکی از سفرهای خود دیدار داشته است. با توجه به سکونت محمد بن عیسی در محله سوق العطش بغداد (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۳۳۴؛ حموی، ۱۹۹۵م، ۳: ۲) و عدم یادکرد سفرهای او توسط رجالیان و سفر جبریل بن احمد به عراق و بغداد، دیدار با او برای دریافت کتاب «الرجال» محتمل است.

۳-۲-۲. محمد بن عبدالله بن مهران

ابن مهران از دیگر مشایخ پربسامد جبریل است که نقل‌های وی بدون واسطه عیاشی به کشی رسیده و به عنوان حلقه مشترک ۱۶ روایت جبریل در کتاب رجال است. او در قلم کشی به غلو توصیف شده (کشی، ۱۴۰۴ق، ۴۴۳) و مشهور به دروغ‌گویی، فاسدالمذهب و حدیث است، کتاب‌های او غالباً وصف به تخلیط شده‌اند؛ «الممدوحین و المذمومین»، «مقتل أبي الخطاب»، «مناقب أبي الخطاب»، «الملاحم»، «التبصرة»، «القباب». تنها کتابی از او که تا حدودی قابل اعتماد می‌باشد «النوادر» است (برقی، ۱۳۴۲ش، ۱: ۵۰۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۳۵۰، حلی، ۱۴۰۲ق، ۲۵۲).

مضامین روایات محمد بن مهران بر اساس مشایخ وی چنین است؛

۱- محمد بن علی الصیرفی؛ صاحب بیشترین نقل‌های ابن مهران است. وی با کنیه ابوسمینه به غلو و کذب شهرت دارد (ابن الغضائری، ۱۳۸۰ش، ۹۴؛ نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۳۳۲؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۴۱۲) که با کشف در اسناد در زنجیره ۸ روایت قرار دارد. خبردهی امام علی (ع) از کیفیت شهادت رشید الهجری (۱۳۱)، پیش‌گویی امیرالمومنین (ع) از

۱. تکرار نقل ۲۳۶ است اما جبریل در سند نیامده است.

شهادت میثم تمار (۱۳۹)، اطلاع امام سجاد (ع) از نام مادری ابو خالد کابلی (۱۹۲)^۱ و خبر دادن از بیمار شدن دختری و آموزش راه درمان او به ابو خالد کابلی جهت تهیه مخارج سفر به سوی خانواده خود (۱۹۳)، عاقبت اندیشی امام صادق (ع) از شهادت معلی بن خنیس و رسیدن او به مقام والا در پی شهادت (۷۱۳)، پیش‌گویی امام صادق (ع) از حضور یعقوب و امر به شعیب العرقوی برای پاسخ‌دهی به او (۸۳۱)، شفایافتن ابی حمزه بطائنی با داروی امام کاظم (ع) و بیان راه شناخت امام (۸۳۸) و خبرسانی امام کاظم (ع) از نزدیکی مرگ عبدالله بن یحیی الکاهلی (۸۴۲)^۲. با توجه به کتاب‌های گزارش شده از ابوسمینه (نجاشی، ۱۳۶۵، ق، ۳۳۲) مضامین این روایات با کتاب «دلایل» که به نشانه‌های امامت می‌پردازد، هم‌سو است. بدین‌روی یکی از منابع مهم ابن‌مهران در کتاب «الممدوحین و المذمومین»، کتاب «الدلائل» است.

۲- حسن بن محبوب؛ روایت پیش‌گویی اسلام آوردن عمرو بن حمق توسط پیامبر (ص) و بیان سرگذشت و مرگ او (۹۶) را نقل می‌کند. با توجه به تألیفات حسن بن محبوب (طوسی، ۱۴۰۷، ق، ۱۹۲) به نظر می‌آید این روایت از کتاب مشیخه او به اثر ابن‌مهران راه پیدا کرده باشد.

۳- احمد بن النضر؛ او که به گمان قوی همان «أحمد بن النضر الخزاز» است و صاحب کتاب (طوسی، ۱۴۰۷، ق، ۸۰)، روایاتش با واسطه ابن‌مهران حکایت پیش‌گویی امام علی (ع) از شیوه شهادت رشید هجری و به واقعیت پیوستن آن (۱۳۲) و نیز تکریم حبیب بن مظاهر و میثم تمار به همدیگر به دلیل به نوع شهادتشان است (۱۳۳).

۴- احمد بن محمد بن ابی‌نصر؛ که از ثقات و صاحب‌الجماع و دو کتاب‌نواد (نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۷۵؛ طوسی، ۱۴۲۰، ق، ۷۵) است. دو روایت وی در اثر ابن‌مهران راه یافته؛ شفایافتن محمد بن سنان توسط امام سجاد (ع) (۱۰۹۳)، اطلاع امام رضا (ع) از آنچه در دل احمد بن ابی‌نصر می‌گذرد و توجه امام به وی (۱۰۹۹).

۵- عبدالله بن عامر روایتی با مضمون پیش‌گویی و دعای امام جواد (ع) از پسر دار شدن صحابی و فهم درست محمد بن سنان از فرمایش امام (۱۰۹۰) را نقل می‌کند.

۶- علی بن قیس راوی روایتی است دال بر اطلاع امام از اموری همچون بیماری و حزن مومنان در سراسر جهان و توجه ایشان به رمیله (۱۶۳).

۱. در سند محمد بن علی الصیرفی عن علی بن محمد بن عبدالله الحنط به محمد بن علی بن محمد بن عبدالله الحنط تصحیف شده است.

۲. در سند نام محمد بن علی الصیرفی حذف شده است.

۷- تعبیر «بعض اصحابنا»^۱ درباره توجه امام رضا (ع) به محمدبن فرات برای کمک به ترک نیبذ و اقامه نماز (۱۰۴۶) و نیز نقل ابن مهران از محمدبن سنان (۱۰۹۳) است. با توجه به محوریت محمدبن فرات در بین غلات (نوبختی، ۱۴۳۹ق، ۱۳۴) و اشاره نقل ۱۰۴۶ به ترک نماز و شرب خمر وی محور کلی روایات ابن مهران شفا یافتن توسط امام و اطلاع امام بر امور غیب و پیش‌گویی و قایع آینده است. این موضوعات هرچند از موضوعاتی است که غالباً در محافل شیعی قابل بیان است؛ لیک زمینه دست‌آویز قرار گرفتن برای فرقه غلات را دارد. بنابراین بیان آن‌ها به طور خاص از یک راوی مشهور به غلو می‌تواند معنادار باشد؛ به خصوص محمدبن مهران که صاحب کتاب «الممدوحین و المذمومین» نیز دانسته شده است. بدین روی تمام روایات نقل شده جبریل از او از نظر مفهومی می‌تواند با این کتاب ارتباط پیدا کند. با این فرض می‌توان محوریت مدح و ذم راویان از نگاه محمدبن مهران را حضور در اتفاقاتی که به نوعی سبب بروز رفتارهای غیر طبیعی از امام شده، دانست، نظیر شفایافتن محمدبن سنان - با تعبیر فطرسیه^۲ - چرا که عدم عمومیت صدور این رفتارها برای تمام اصحاب می‌تواند نشان از توجه امام و رابطه نزدیک آنان با امام باشد.

شاهد برآن حضور راویانی که به نوعی دست‌آویزی برای فرقه غلات بوده‌اند؛ همچون محمدبن فرات، محمدبن سنان و ...؛ حضور راویانی که به عنوان چهره در این دسته قرار ندارند از این جهت مهم است که حاوی نقل‌های موافق با جریان غلو هستند؛ همچون پیش‌گویی‌هایی از مرگ میثم تمار و حبیب‌بن مظاهر و عمرو بن حمق. بدین ترتیب با توجه به فراوانی روایات محمدبن مهران و ارتباط موضوعی آن‌ها با باور و کتاب او، به عنوان یک احتمال قوی استفاده جبریل از کتاب «الممدوحین و المذمومین» را می‌توان مطرح کرد. بدین روی کتاب «الممدوحین و المذمومین» برگرفته از کتاب حسن بن محبوب، احمد بن النضر، احمد بن ابی نصر و محمد بن علی صیرفی است. عبارت تحدیث کشی از جبریل از ابن مهران به سه شکل نقل شده است؛ در ۱۱ سند کشی از عبارت «وَجَدْتُ بِحَطِّ جَبْرِيلَ» استفاده می‌کند و ۵ روایت بدون هیچ عبارت تحدیث آغازین در کتاب اختیار آمده؛ در روایت ۱۳۱ از عبارت «حَدَّثَنِي أَبُو أَحْمَدَ وَ

۱. «وَجَدْتُ بِحَطِّ جَبْرِيلَ بْنِ أَحْمَدَ، حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَهْرَانَ، قَالَ حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فُرَاتٍ...».

۲. این تعبیر در روایت اشاره به همسانی شفا دادن امام جواد (ع) با شفایافتن فطرس توسط امام حسین (ع) است.

تَسَخُّتٌ مِنْ حَطَّةٍ» استفاده شده است. این عبارت تصحیف ابومحمد به ابو احمد است و حکایت از سماع کشی از جبریل از کتاب ابن مهران می‌کند و در کنار عبارات‌های دیگر تحدیثی کشی از جبریل چنین هویدا می‌کند که کشی قسمتی از روایات جبریل از ابن مهران را از طریق سماع دریافت کرده و بر بخشی از آن‌ها به واسطه دست نوشته‌های جبریل از کتاب «الممدوحین و المذمومین» ابن مهران به شکل وجاده دست یافته است. بدین‌روی دیدار کشی با جبریل نیز قابل اثبات است.

۳-۲-۳. موسی بن جعفر بن وهب

وی استاد جبریل در ۵ روایت است که در طبقه «مَنْ لَمْ يَرَوْ عَنَّهُ» قرار دارد (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۴۴۹). صاحب «النوادر» (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۴۰۶) و روایاتش از نظر موضوعی، غالباً در ذم سران غلات است؛ از جمله فارس بن حاتم قزوینی (۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵) علی بن حسکه و قاسم یقطینی (۹۹۵) و دیگر روایت وی در بیان محوریت محبت اهل بیت (ع) برای دریافت معالم دین (۷) است. بدین‌سان موضوعات مطرح شده در این ۵ روایت در ذم اباحه‌گری در میان غلات است. حضور این روایات در میان مجموعه روایات جبریل می‌تواند معنادار باشد.

گفته شد دو روایت جبریل از موسی بن جعفر (۲۴۴ و ۲۴۵) از نظر موضوعی در ذم زراره و در دسته روایات منقول از عیاشی به کشی قرار دارد. تمام این روایات به شیوه تویق و مکاتبه بیان شده‌اند. تویقات از موضوعاتی است که معمولاً در کتب نوادر وجود دارد. بدین‌روی احتمال دریافت این روایات از کتاب او توسط جبریل وجود دارد.

۳-۲-۴. حسن بن خرزاد

«حسن بن خُرَزَاد» که به صورت «خرزاد» یا «خرزاد» هم نوشته شده است؛ شیخ جبریل در ۷ روایت است. وی از روایان کش (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۴۲۱) و قم (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۴۴؛ خوئی، ۱۳۷۲ش، ۵: ۳۰۷، ۳۰۸) دانسته شده اما میرداماد با استناد به طوسی که حسن بن خرزاد قمی را از اصحاب امام هادی (ع) و نیز اهل کش در باب «مَنْ لَمْ يَرَوْ» می‌آورد. این شناسه را متعلق به دو نفر می‌داند (کشی، ۱۳۶۳ش، ۱: ۳۳) و برخی معتقدند این شناسه متعلق به یک شخص است که در اصل قمی ولی ساکن در کش بوده (خوئی، ۱۳۷۲ش، ۵: ۳۰۸؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق، ۳: ۲۲۹). وی در اواخر عمرش

۱. یکسانی سند این روایت با سند ۱۳۹ تشابه آن با دیگر طرق جبریل و مشایخ وی و نوع بهره‌گیری کشی و مضمون روایت امکان تصحیف را تقویت می‌کند.

به غلو متهم شده است (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۴۴) هرچند شوشتری با توجه به اعتماد محمدبن احمدبن یحیی اشعری از وی و نقل روایاتش و عدم استثنای ابن ولید از روایات، اتهام غلو را از او رفع می‌کند (شوشتری، ۱۴۱۰ق، ۳: ۲۲۹). وی را به کثیرالحدیث توصیف و دو کتاب را برای او برشمردند (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۴۴).

تمام روایات حسن بن خرزاد در کتاب اختیار بر محور سلمان فارسی است؛ از اهل بیت بودن سلمان (۲۶)، روزی دادن خداوند به سبب وجود او (۱۳)، محدث بودن سلمان (۲۷)، دانستن اسم اعظم (۲۹)، دانستن حقیقت شتری که از میان جنیان است (۳۰)، روایتی هم که سخنی از سلمان در آن وجود ندارد (۳۱) لیک به نظر می‌رسد جنبه تأییدی بر نقل ۳۰ است که مولف با کنار هم قرار دادن این دو روایت سعی دارد تا از توانایی سلمان همچون امام باقر (ع) در تشخیص حقیقت شتر عسکر سخن بگوید. با تأمل در موضوع کتاب‌های حسن بن خرزاد به نظر نمی‌آید هیچ‌یک از این روایات در کتاب‌های او وجود داشته باشند و حسن بن خرزاد نقش منتقل‌کننده روایات را از گذشتگان به شاگردان خود را ایفا کرده است.

کشی از طرق دیگر نیز روایات حسن بن خرزاد را در کتابش می‌آورد؛ روایت ۴۷ نقل خطبه سلمان است که در بردارنده فضایل اوست. دو روایت دیگر ۳۲۷ و ۶۳۴ بر مفهوم پیش‌گویی و اطلاع امام از غیب اشاره دارد به گونه‌ای که روایت ۳۲۷ بر پیش‌گویی شکست ابو خالد کابلی و یا پیروزی مومن الطاق در مناظرات است. روایت ۶۳۴ نیز بر اطلاع امام بر حادثه‌ای مخفی برای یکی از اصحاب دلالت دارد. روایت پایانی ۱۰۹۵ هم درباره بیان نام صحیح حسن بن محبوب توسط امام رضا (ع) است.

روایات حسن بن خرزاد در آثار دیگر اندیشمندان دارای موضوعی فقهی و تفسیری (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۴۲؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ۶۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۲: ۴۵۲؛ ۱: ۷۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۱: ۲۰، ۲۱) است بدان سان که برخی از این آموزه‌های تفسیری قابلیت بهره‌وری در فرقه غلات را دارند. با توجه به هم‌راستا نبودن محتوای روایات حسن بن خرزاد با متون روایی منقول از او به نظر می‌رسد که روایات از طریق دست‌نوشته‌ها و یا سماع به جبریل رسیده است.

۳-۲-۵. سهل بن زیاد آدمی

سهل بن زیاد آدمی که در دید نجاشی و ابن غضائری ضعیف و غیر معتمد در حدیث است، توسط احمد بن محمد بن عیسی به غلو متهم و از قم اخراج شد (ابن غضائری،

۱۳۸۰ ش، ۶۶، ۶۷) و کتاب «التوحید» و «النوادر» را به تحریر درآورد (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۱۸۵). جبریل ۳ روایت را از او نقل می‌کند. باب‌الله بودن سلمان در زمین (۳۳)، حرمت دادن زکات به باورمندان زنده بودن امام کاظم (ع) (۸۶۲)، پیش‌گویی ایمان آوردن یونس به امام رضا (ع) به عنوان اولین فرد در ضمن مکاتبه‌ای (۹۳۳)، موضوع روایات سهل‌بن‌زیاد آدمی است.

موضوع دو روایت از سه روایت سهل‌بن‌زیاد کاملاً هم‌سو با روایاتی است که از مشایخ دیگر جبریل نقل شده و موضوعات مورد بهره‌وری غلات در آن دیده می‌شود (خصیعی، ۲۰۱۵م، ۷۵، ۷۶). با توجه به موضوع روایات احتمال قوی حضور این روایات در کتاب «النوادر» سهل‌بن‌زیاد و استفاده جبریل از این کتاب وجود دارد. ۵ روایت دیگر از سهل به طریقی غیر از جبریل به کتاب کشی راه یافته که دو روایت در ذم‌علی‌بن‌حسکه (۹۹۶، ۹۹۷) و یک روایت در ذم واقفه (۸۶۲) و دو روایت دیگر در مدح عبدالله‌بن‌شریک العامری (۳۹۰) و ذم فرزند حسین‌بن‌حسن (۱۰۴۵) است.

۳-۲-۶. موسی‌بن‌معاویه بن وهب

موسی‌بن‌معاویه شیخ کوفی جبریل و در طبقه امام رضا (ع) و امام جواد (ع) قرار دارد. نام وی را «موسی بن القاسم بن معاویه بن وهب البجلی» گفته‌اند. او که توصیف به «ثِقَّةٌ ثَقَّةٌ، جَلِيلٌ، وَاضِحُ الْحَدِيثِ، حَسَنُ الطَّرِيقَةِ» شده، تعداد کتبش را تاسی کتاب شمرده‌اند. از جمله «مسائل الرجال» (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۴۰۵)، روایت او در کتاب اختیار؛ حکایت شهادت زیدبن‌صوحان در جنگ جمل و سخن گفتن زید بعد از شهادت به فضیلت امام (ع) (۱۱۹) و به وجود فرانسانی امام و زنده شدن مرده توسط وی اشاره دارد که می‌تواند مورد توجه غالیان قرار بگیرد.

۳-۲-۷. محمدبن اسحاق بن خانبه

وی از خاندان شیعی احمدبن‌عبدالله بن مهران الکرخی^۱ (معروف به ابن‌خانبه) استاد یکی از روایات جبریل است. روایت ۵۷۳ به‌طور ضمنی اشاره به آگاهی امام صادق (ع) از اتفاقی که میان امام باقر (ع) و عبدالله جرجانی رخ داده، می‌کند و دربردارنده مفهوم مورد استفاده غلات است.

۱. احمدبن‌عبدالله ثقه و از غلمان یونس‌بن‌عبدالرحمان و صاحب کتاب یوم و ليله است (حلی، ۱۳۴۲ش، ۳۱).

۳-۲-۸. محمد بن عبدالحمید العطار الکوفی

محمد بن عبدالحمید از روایان ثقه امامی (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ۳۳۹)، صاحب کتاب «النوادر» و یک روایت از روایات جبریل است. وی راوی جریان بیعت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و قیس بن عباده با معاویه است (۱۷۶).

۳-۲-۹. علی بن محمد بن شجاع

شناسه «علی بن محمد بن شجاع» که در نص کشی به «الشجاعی» و «علی بن شجاع» معروف شده است، پسر دایی «محمد بن سلیمان»^۱ بود که وی نوه خود را به خواندن کتاب‌های علی بن محمد بن شجاع سفارش می‌کرد (زراری، ۱۳۶۹ش، ۱۲۶، ۱۲۶؛ شبیری زنجانی، بی‌تا، ۲: ۴۰۷). او از اصحاب امام عسکری (ع) (طوسی، ۱۴۱۲ق، ۴۰۰) و استاد جبریل در روایت ۳۳۹ است. این روایت درباره جابر بن یزید جعفی و اشراف او بر احادیث سر برآمده از کتاب تفسیر امام دلالت دارد. غلات بسیاری از آموزه‌های خود را به او استناد می‌دهند زین روی تأکید بر صاحب سر بودن و نقل روایاتی خاص توسط او سرپوش و دلیلی است بر چرایی وجود آموزه‌های مخالف با مذهب عموم مردم.

علی بن محمد بن شجاع در زنجیره ۱۲ روایت کشی در «اختیار معرفه الرجال» حضور دارد که تمام روایات به جز روایت ۳۳۹ از یک طریق پیروی می‌کند؛ «طاهر بن عیسی الوراق» جعفر بن احمد بن ایوب السمرقندی <علی بن محمد بن شجاع النیسابوری> بدین ترتیب او حلقه مشترک ۱۲ روایت در رجال کشی است که ۵ روایت خود را از محمد بن حسین بن ابوالخطاب می‌آورد.

تا بدین جا دو دسته روایت از نظر موضوعی از دو دسته مشایخ برای جبریل قابل اثبات است. دسته اول روایات عیاشی از جبریل از محمد بن عیسی بن عبید است که سعی شده است روایان به خصوص جریان زراره و هشام بن حکم را بررسی کند. رویکرد در این روایات منفی است و در مقابل روایات مدح یونس بن عبدالرحمن که در مقابل جریان زراره قرار داشتند و یا نسبت خاندانی محمد بن عیسی بن عبید با علی بن یقطین می‌تواند دلیل ذکر روایت مدح علی بن یقطین باشد. بدین روی گرایش جبریل به جریان یونس و مخالفت وی با جریان زراره حداقل در موضوعات کلامی را می‌توان فهمید.

دسته دوم روایاتی است که از کشی به طور مستقیم از جبریل نقل شده است. مشایخ جبریل در این دسته تعدادی یا غالی و یا متهم به غلو شده‌اند. روایات این مشایخ

۱. جد احمد بن محمد الزراری.

قابل بهره‌برداری در اندیشه‌های غالبانه است و ارتباط اتهام به غلو آنان با اندیشه‌ای که در روایات آنان از طریق جبریل انتشار یافته کاملاً مشهود است. تعداد معدودی از مشایخ جبریل که ثقه شمرده و یا در عقیده آن‌ها سخنی رانده نشده، غالباً روایاتشان هم‌سو با دیگر روایات از مشایخ غالی است. هرچند این دسته از روایات در بردارند مفاهیمی هم‌راستا با غلو هستند لیک با توجه به شخصیت جبریل بن احمد رویکرد وی بیان از حفظ بوده و کتاب خاصی برای وی گزارش نشده است. زین روی گزارش‌های کشی مبنی بر دست‌یابی به کتاب جبریل به خط او در حقیقت دست‌یابی به جزوات دست‌نویس وی از مشایخ خود است. تنوع و گستردگی مشایخ وی از قم و بغداد و کش نیز کاملاً در جهت توصیفی است که از او در تلاش برای دست‌یابی به احادیث آمده است.

۴. آثار جبریل بن احمد الفاریابی

با توجه به این‌که جبریل به عنوان یک ناقل روایات و نه صاحب کتاب شناخته شده است؛ باقری براساس جمله نقل ۱۳۳ «قَالَ الْكُشِّي: هَذِهِ الْكَلِمَةُ مُسْتَخْرَجَةٌ مِنْ كِتَابِ مَفَاخِرِ الْكُوفَةِ وَ الْبَصْرَةِ» کتاب «مفاخر الكوفة و البصرة» را به جبریل منسوب می‌کند (باقری، ۱۳۹۰ش، ۱۵۶-۱۷۲). تحلیل این دیدگاه و بیان داده‌های جدید نگارنده هدف سطرهای پیش‌رو است.

۴-۱. واکاوی شواهد کتاب مفاخر الكوفة و البصرة

دانشیان متأخر (بحرانی، ۱۳۸۲ق، ۳۳۴؛ خوئی، ۱۳۷۲ش، ۵: ۲۰۲؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق، ۳: ۹۷، ۲: ۲۹۳) در هنگام یادکرد از این کتاب عنوان «مفاخرة» را نگاشته‌اند و ظاهراً تعبیر موجود در رجال کشی را صحیح ندانسته‌اند علی‌رغم این‌که گزارشی مؤید بر این نام در دیگر نسخ باقی‌مانده از این کتاب نیامده است.

بررسی این عنوان در کتب فهرست و رجالی از نمونه‌های مشابه این عنوان بر کتاب‌ها حکایت از کاربرد کلمه «مفاخرة» است. همچون کتاب «مفاخر العرب و العجم» و «مفاخرة أهل البصرة وأهل الكوفة» به أبو الحسن علی بن محمد بن عبدالله بن ابی سیف المدائنی در قرن ۳ استناد داده شده است (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، ۱: ۱۳۴). «مفاخرة العرب و منافرة القبائل فی النسب» (همان، ۱۵۹)، «مفاخرة الورد و النرجس» (همان، ۱۸۰)، «مفاخرة أهل كس و نسف» (تمیمی سمعانی، ۱۳۸۲ق، ۱۳: ۳۱۰)، «مفاخرة

البکریة و العمریة» (خویی، ۱۴۱۳ق، ۲: ۱۲۰)، «مفاخرة بین المکه المکرمة و المدینه المنوره» (محمد بن سلمان، ۱۴۱۹ق) نیز ذکر شده‌اند.

از نظر لغوی و ادبی «مفاخر» جمع «مفخره» و به معنای آنچه که مایه مباهات و افتخار است و «مفاخرة» مصدر و به معنای فخرفروشی کردن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۵: ۴۸؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۷: ۳۰۱) و حکایت از یک گفت‌وگو و حالت تفاخر نسبت به همدیگر است. بدین روی با توجه به معنی مفاخر که جامع در هر آنچه مایه مباهات است چنانچه کلمه مفاخر درباره رجالیان و چهره‌های سرشناس منطقه‌ای به کار رود بهتر است تا با عبارت «مفاخر رجال الکوفة و البصرة» استفاده شود. تعبیر دیگری که از معنای مفاخرة در کتب دیده می‌شود «افتخار» است همچون «افتخار الکوفیین و البصریین» (ابن فقیه، ۱۴۱۶ق، ۲۰۴).

ابن فقیه به‌گاه نقل اخبار بلدان در عین حال که مجزا درباره کوفه و بصره سخن می‌گوید بحثی را با عنوان افتخار الکوفیین و البصریین می‌گشاید و حکایتی را از تفاخر دو گروه به تحریک سفاح خلیفه عباسی نقل می‌کند. شروع این گفت‌وگو به داستان بصره و جنگ جمل باز می‌گردد به‌گونه‌ای که کوفی‌ها بصری‌ها را به دلیل این جنگ سرزنش می‌کنند (همان). به طور کلی در میان آثار تاریخی تقابل و دوئیت میان کوفه و بصره را از زمان جنگ جمل می‌توان مشاهده کرد به‌گونه‌ای که این دوئیت در مباحث علمی نیز سرایت کرده است و قابل درک است (ن ک: طلال، ۱۹۹۲م). بدین روی نگاشتن کتاب‌هایی با چنین موضوعی با محوریت حب اهل بیت (ع) در میان شیعیان کوفی و بصری با رویکرد روایی بیشتر قابل فهم است.

کاوش در اسناد کتاب رجال کشی و تصریح او در پایان نقل ۱۳۳ بر مستخرج بودن روایت از کتاب «مفاخر الکوفة و البصرة» و مقایسه سند آن با دیگر روایات رسیده از جبریل و دیگر مشایخ کشی مشخص کرد که این روایت با روایت ۱۳۲ دارای یک سند مشترک است و از نظر مضمون در یک راستا قرار دارند بنابراین احتمال استخراج هر دو از این کتاب وجود دارد.

سند روایت ۱۳۳ چنین است: «جَبْرِيلُ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ، قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ النَّضْرِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَزِيدِ الْأَسَدِيِّ، عَنْ فَضِيلِ بْنِ الزُّبَيْرِ قَالَ: ...». این نقل گفت‌وگوی سه شخصیت مطرح کوفه؛ میثم تمار، حبیب بن مظاهر و رشید هجری است که نشان از ارج نهادن به همدیگر به واسطه خبر دادن از کیفیت مرگشان در راه اهل بیت (ع) است؛ با سخن حبیب در مواجهه با میثم

تمار آغاز می‌شود؛ از شخصیت او با عنوان کسی که در راه اهل بیت (ع) به صلیب کشیده و شکمش دریده می‌شود یاد می‌کند. میثم نیز در مقابل حبیب را به عنوان کسی که در راه یاری فرزند نبیش سرش در کوفه گردانده خواهد شد، توصیف می‌کند. محور مورد اشاره نویسنده کتاب «مفاخر الکوفة و البصرة» در این گفت‌وگو کیفیت شهادت میثم و حبیب به عنوان دو کوفی در راه اهل بیت (ع) است و آگاهی آنان از قبل به شهادتشان، خود می‌تواند مزید بر فضیلت این دو کوفی باشد. با توجه به نقل ۱۳۲ درباره پیش‌گویی امام علی (ع) از شهادت رشید هجری و استقامت و شهادت او، می‌توان فهمید که محتوای کتاب درباره افرادی از بصره و کوفه است که جان یا مال خود را در راه اهل بیت (ع) نثار کرده‌اند.

کوفی بودن میثم، رشید هجری و حبیب بن مظاهر بر نام کتاب صحه می‌گذارد. پس دیگر اسناد کتاب مورد بحث باید دارای دو ملاک اشتراک در سند و اشتراک در مضمون با این دو روایت باشد. بررسی دیگر اسناد کتاب رجال کشی از جبریل تنوع و گستردگی مشایخ و موضوع آن‌ها و شانیت روایت‌گری او احتمال تألیف کتابی با چنین هدفی را منتفی می‌کند. شاهد بر این ادعا بی‌انگیزه بودن جبریل اهل کش در نگاشتن کتابی در تفاخرورزی کوفی‌ها و بصری‌ها است.

شاهد دیگری در عدم انتساب کتاب به جبریل حضور روایت ۱۳۳ با اشتراک سندی در کتاب «الهدایه الكبرى» خصیبی است. «وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَصِيبِ عَنْ أَحْمَدِ بْنِ نَصِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْأَسَدِيِّ عَنْ فَضِيلِ بْنِ الزُّبَيْرِ قَالَ: ...» (خصیبی، ۱۴۱۱ق، ۱۴۹).

متن روایت اختلاف اندکی در الفاظ با روایت کشی دارد و در «أحمد بن نصیر عن عبدالله الأسدي عن فضيل بن الزبير» دارای اشتراک است. احمد بن نصیر که تصحیفی از احمد بن النضر است (خویی، ۱۴۱۳ق، ۳: ۱۴۲) همان أحمد بن النضر الخزاز أبو الحسن الجعفی است و صاحب کتاب. با توجه به کوفی بودن وی و انگیزه نگاشتن این کتاب در او احتمال انتساب کتاب «مفاخر الکوفة و البصرة» به وی وجود دارد. عبدالله بن یزید اسدی و فضیل بن زبیر الرسان صاحب کتاب نیستند.

بر این اساس کتاب «مفاخر الکوفة و البصرة» از منابع کتاب «الممدوحین و المذمومین» محمد بن مهران است که از طریق جبریل به کتاب کشی راه یافته و عدم کاربست عبارت «هذه الكلمة...» در کتاب خصیبی نشان از اشراف کشی به استفاده ابن مهران از این کتاب است.

باقری معتقد است که تمام روایات جبریل در رجال کشی از کتاب «مفاخر الکوفة و البصرة» به کتاب کشی راه یافته است (۱۳۹۰ ش، ۱۵۶-۱۷۲)، حال آن‌که بررسی روایات نشان داد کسانی موضوع روایات جبریل هستند که هیچ نسبتی با شهر کوفه و یا بصره ندارند؛ همچون علی بن یقطین و سلمان و مضامینی به کار رفته کاملاً بی ربط با این دو شهر است؛ همچون روایات فارس بن حاتم و غلات.

از دیگر سو تحلیل استفاده کشی از واژه کتاب برای جبریل مشخص کرد لفظ کتاب برای فضل بن شاذان (۱۷۹)، یحیی بن عبد الحمید (۸۵۵)، جبریل بن احمد (۵۷۳)، محمد بن نعیم بن شاذان (۱۴۱) و محمد بن حسن بن بندار القمی (۳۹۶)، یونس بن عبد الرحمن (۱۷۷) و الدهقان (۱۰۱۰) به کار رفته است. در این میان جبریل، محمد بن حسن بن بندار و محمد بن نعیم بن شاذان در کتب رجالی صاحب کتاب نیستند و لفظ کتاب در هر دو معنای تالیف و استنساخ به خط راوی به کار رفته است. بنابراین کاربرد کلمه کتاب برای جبریل نشان از داشتن کتابی مستقل برای او نیست و چه بسا به همین دلیل نامش در کتاب «فهرست» شیخ و «الرجال» نجاشی نیامده است. بدین ترتیب تعابیر کشی از دست یافتن به خط و کتاب جبریل به معنی دست‌یابی به اصولی که به خط جبریل بوده اشاره دارد و یا در نهایت منتخباتی است که صورت تألیف مستقل به خود نگرفته و از متن‌های حدیثی قدیمی‌تر در نزد خود داشته است.

احتمال دیگری که انصاری برای این کتاب مطرح می‌کند انتساب آن به خود کشی است بدین معنا که ممکن است کشی با آوردن عبارت «هَذِهِ الْكَلِمَةُ مُسْتَخْرَجَةٌ...» قصد دارد بگوید این متن را آن‌جا هم پیش‌تر نقل کرده است.

اما اگر تعبیر «مستخرجة» را در اصطلاح فنی محدثان معنا کنیم بدین معنا خواهد بود که این روایت را ممکن است او از کتابی به نام «مفاخر الکوفة والبصرة» از مؤلفی که نمی‌شناسیم نقل کرده اما در روایت سند آن از شیوه استخراج یعنی جایگزینی نام راویان ذیل سند با نام راویانی دیگر به منظور نقل روایت با طریقی دیگر به مؤلف کتاب و یا شیخ او بهره برده بوده است (انصاری، ۱۳۹۲ ش).

رحمان ستایش و جدیدی نژاد کتاب «مفاخر الکوفة و بصره» را نگاشته احتمالی ابوالحسن مدائنی (۲۵۵ ق) می‌دانند (۱۳۸۴ ش، ۴۸۱). ظاهراً دلیل این انتساب نزدیکی زمانی وی با کشی و جبریل و انتساب کتابی بدین نام توسط ابن ندیم است.

حاصل آن‌که در شناسایی نویسنده این کتاب احتمالات مختلفی قابل بیان است. برخی این کتاب را به کشی و برخی به جبریل و برخی مولف آن را ناشناس می‌دانند و

احتمال نگاشتن آن توسط أحمد بن النضر الخزاز أبو الحسن الجعفی نیز با توجه به اشتراک در اسناد به شکل قوی تر قابل بیان است. به هر ترتیب با جست و جوی نگارنده شواهد در یافتن نویسنده اصلی کتاب مفاخر تام نیست و نمی توان به طور قطع این کتاب را به شخصی منتسب کرد و چه بسا ممکن است جبریل از آن کتاب استنساخ کرده و آن کتاب به شکل وجاده احتمالاً در کتابخانه عیاشی به کشی رسیده است.

۵. جایگاه روایات جبریل در کشی

تحلیل روایات جبریل در مدخل های کشی و بررسی ارتباط معنایی آن ها با دیگر روایات از مشایخ دیگر کشی مشخص کرد که کشی سه رویکرد به این روایات داشته است؛

الف- رویکرد تفسیر و تکمیل: در این رویکرد کشی از روایات جبریل به عنوان

تکمیل و تفسیر دیگر روایات بهره برده که بیشترین کاربرد را دارد. نمونه:

۱- مدخل رشید هجری از دو روایت^۱ از جبریل تشکیل شده است (۱۳۱ و ۱۳۲). روایت اول

پیش گوئی امام از نحوه شهادت رشید است و دیگری به واقعیت پیوستن پیش گوئی امام را نشان می دهد. رابطه دو روایت شرح و تکمیل کننده همدیگر و مورد اعتماد کشی است.

۲- مدخل میثم تمار ۱۲ روایت دارد که نقل ۱۳۹ از جبریل است. این نقل شرح و تفصیلی

بر نقل های پیشین درباره آگاهی میثم از شهادتش و به واقعیت پیوستن آن است (۱۳۴- ۱۴۰).

۳- مدخل مختار بن ابی عبیده ۱۱ روایت دارد که دو روایت آن با گزارش جبریل

است و هر دو در شرح و توضیح روایات پیش از خود. نقل ۲۰۰ به چرایی کذاب خواندن مختار از سوی امام در نقل ۱۹۸ اشاره دارد و نقل ۲۰۱ مختار را کیس می داند که با توجه به جای گذاری روایت و ارتباط آن با روایات پسین و پیشین می توان فهمید مقصود کشی کیس بودن مختار در امر انتقام گیری از دشمنان اهل بیت (ع) و ارسال پول برای بازسازی خانه ها و ازدواج جوانان است. روایت جبریل به عنوان شاهد و تفسیری بر روایات پیش از خود آمده است.

۴- روایات مدخل جابر بن یزید جعفی که با هدف بحث پیرامون روایت گیری

جابر و کیفیت آن از دید کشی جمع آوری شده با ادعای عدم انتساب روایات او به امام صادق (ع) و مقدار اندکی به امام باقر (ع) شروع می شود و دیگر روایات آن را شرح می دهد. چهار روایت جبریل (۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۳) حکایت از این دارد که به دلیل صاحب سر بودن جابر حامل روایات صعب مستصعب بوده و شنیدن آن برای سفله

۱. روایت ۱۳۱ را کشی از ابواحمد نقل می کند که کاوش در مشایخ کشی و بررسی سند این روایت مشخص کرد که ابواحمد تصحیفی از ابو محمد (جبریل) است.

سبب انحراف آنان از مسیر حق می‌شد و امام انتساب برخی از روایات را به خود رد می‌کند تا دست‌آویزی برای انحراف دیگران نباشد.

۵- نمونه‌های دیگر؛ نقل دوم در مدخل رمیله است که به لحاظ سندی شاهدهی بر صحت روایت اول است (۱۶۲، ۱۶۳)، نقل ۸۱۵ در شرح چرایی ضمانت بهشت برای علی بن یقطین که در روایات پیشین آمده و کمک مالی او به خانواده‌ها در پوشش ارسال نایب به حج، نقل‌های ۱۰۰۴ و ۱۰۰۵ در مدخل فارس بن حاتم که شرح نقل ۱۰۰۳ در عدم ارتباط‌گیری با فارس بن حاتم است (۱۰۰۴، ۱۰۰۵). نقل ۵۸۹ که در ادامه روایات پیش از خود درباره شرح رفتار و عقاید مفضل بن عمر در پیروی از فرقه خطایه است (۵۸۹). نقل ۴۸۰ در مدخل هشام بن حکم که شرحی مفصل بر دلیل دشمنی یحیی بن خالد برمکی و حادثه‌ای که سبب مرگ هشام در نقل ۴۷۶ و ۴۷۷ است. (۴۷۶-۴۸۰) روایات جبریل در مدخل زراره نیز تقویت‌کننده روایات قبل از خود است. با توجه به ترتیب جای‌گذاری روایات در این مدخل روایات ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۵ همگی در ذم زراره به دلیل اندیشه‌های کلامی درباره استطاعت و ... که در روایات پیش از آن آمده است (۲۳۵-۲۶۲).

ب- رویکرد محوریت و پذیرش: در این رویکرد روایت محور و اساس یک بحث قرار دارد و روایات دیگر در تفسیر آن به کار رفته‌اند. نمونه:

۱- نقل ۲۷ در مدخل سلمان از جبریل از حسن بن خرداد به همانندی سلمان در محدث بودن با امیرالمومنین (ع) اشاره دارد: «كَانَ عَلِيٌّ (ع) مُحَدَّثًا وَ كَانَ سَلْمَانٌ مُحَدَّثًا» این روایت مجمل و از کیفیت محدث بودن سخنی نمی‌گوید، کشی علاوه بر پذیرش آن؛ دیگر روایات ۳۴، ۳۶، ۴۳، ۴۴، ۴۵ را برای شرح آن به کار می‌برد و معنای محدث بودن سلمان را روشن می‌کند.

۲- مدخل عمرو بن حمق از دو روایت تشکیل شده است. روایت اول آن از جبریل حکایتی از پیش‌گویی پیامبر (ص) از پیوستن عمرو به اسلام و بیان سرگذشت او توسط راوی و در نهایت تعقیب او توسط سپاهیان معاویه و مصدومیت او با نیش مار و بر نیزه شدن سر او توسط سپاهیان معاویه است. این روایت که جامع به نظر می‌رسد و مورد پذیرش کشی قرار گرفته با عبارتی از روایتی که بیان نامه‌های امام حسین (ع) و معاویه به یکدیگر با سندی مرسل است، شرح داده می‌شود آن‌جا که امام حسین (ع) معاویه را مسئول مرگ عمرو بن حمق می‌داند: «أَوْ لَسْتُ قَاتِلَ عَمْرٍو بْنِ الْحَمِقِ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) الْعَبْدِ الصَّالِحِ الَّذِي أَبْلَتْهُ الْعِبَادَةُ فَتَحِلَّ جِسْمُهُ وَ اصْفَرَّتْ لَوْنُهُ ...، ثُمَّ قَتَلْتَهُ جُرْأَةً عَلَيَّ رَبِّكَ ...». بدین ترتیب کشی روایت جبریل که دارای سند و جامعیت بیشتری

از زندگی عمرو است را محور قرار می‌دهد و روایت دوم را به دلیل ارسال و اشاره گذرا به مرگ عمرو در شرح آن به‌کار می‌بندد.

۳- نقل جبریل در مدخل زیدبن صوحان به صورت مختصر به زندگی زید می‌پردازد و از شهادت او در جنگ جمل و اعتراف به ولایت امام علی (ع) بعد از شهادت دلالت دارد؛ محور اصلی مدخل زید قرار گرفته و کشی با روایت بعدی به شرح درخواست عایشه از زید برای نیوستن او به امام و تبعیت از او و دست رد زدن زید به عایشه پرداخته و بر روایت جبریل اعتماد کرده است.

۴- چهار روایت پایانی در مدخل محمدبن مسلم که تماماً از جبریل است در بیان هم‌سویی اندیشه کلامی استطاعت محمدبن مسلم با زراره است. روایت ۲۸۲ محور بحث اندیشه کلامی محمدبن مسلم در این مدخل قرار گرفته و دو روایت دیگر ۲۸۳^۱ و ۲۸۴ با هدف شرح آن نگاشته شده است.

۵- از دیگر نمونه‌ها می‌توان به روایت ۱۳۳ در مدخل حبیب‌بن مظاهر و ۴۵۲ در مدخل عبدالله‌بن میمون، ۵۷۳ در مدخل عبدالله‌بن بکیر الرجانی، ۸۱۲ در مدخل علی‌بن یقظین در اثبات دیدار علی‌بن یقظین با امام صادق (ع) و محبت امام به او است و نیز روایت ۵۸۱ در ارتباط مفضل با اسماعیل فرزند امام صادق (ع) که اولین روایت مدخل است و روایات دیگر در تایید این مساله بیان شدند (۵۸۱) و نقل ۵۷۳ که تنها روایت در مدخل عبد الله بن بکیر است که کشی بر آن اعتماد کرده است.

ج- رویکرد دفع و پاسخ: در این رویکرد کشی روایتی از جبریل را محور یک بحث قرار می‌دهد لیک با دیگر روایات سعی می‌کند تا باور مطرح شده در روایت جبریل را پاسخ دهد. این رویکرد کشی را می‌توان در مدخل شهاب‌بن عبد ربه دید. این مدخل پس از سخن در خاندان شهاب کشی با مطرح کردن یک روایت در مذمت شهاب سخن را آغاز می‌کند و شهاب را بدتر از خون و گوشت خوک می‌داند اما در ادامه با آوردن روایاتی در توصیف حال او در هنگام شنیدن خبر رحلت امام صادق (ع) و در نهایت با جمله کشی در بهره‌گیری ناوسی‌ها از این روایات شهاب علت بدتر از خوک دانستن شهاب مشخص و روایت از نظر کشی پذیرفته نمی‌شود. این رویکرد به روایات جبریل نقش حداقلی در «اختیار معرفه الرجال» دارد.

۱. «هَلَكَ الْمُتَرَسُّونَ فِي أَدْيَانِهِمْ مِنْهُمْ زُرَّارَةُ وَ بُرَيْدٌ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَ إِسْمَاعِيلُ الْجُعْفِيُّ، وَ ذَكَرَ آخَرَ لَمْ أَحْفَظْ» با توجه به هم‌نشینی نام‌های زراره و برید و محمدبن مسلم و بررسی مدخل آن‌ها و نوع جای‌گذاری روایت در این مدخل مقصود کشی از این روایت نشان دادن هم‌طیف بودن و هم‌عقیده بودن این افراد در اندیشه کلامی است هرچند این اندیشه مورد پذیرش امام نیست.

۶. نتیجه‌گیری

۱- براساس تحلیل‌های نگارنده جبریل بن احمد از اهالی خراسان قدیم است و در مقام یک روایت‌گر سفرهای زیادی به مراکز حدیثی داشته و حاصل آن دستیابی به تعداد زیادی از روایات مشایخ قم و بغداد و کش است.

۲- روایات جبریل از طریق عیاشی و به طور مستقیم به شیوه سماع و وجاده به کشی رسیده است.

۳- محمد بن عیسی، محمد بن عبدالله بن مهران، موسی بن جعفر بن وهب، حسن بن خرزاد، سهل بن زیاد آدمی، موسی بن معاویه بن وهب، محمد بن اسحاق بن خانبه، محمد بن عبدالحمید العطار الکوفی، علی بن محمد بن شجاع از مشایخ جبریل هستند که وی آثاری همچون «الرجال» محمد بن عیسی، «الممدوحین و المذمومین» محمد بن عبدالله بن مهران، «مسائل الرجال» موسی بن جعفر بن وهب، «النوادر» محمد بن عبدالحمید العطار الکوفی و احتمالاً آثار غیر تالیفی از حسن بن خرزاد و علی بن محمد بن شجاع و محمد بن اسحاق بن خانبه را به کشی منتقل کرده است. وی حداقل بخشی از کتاب «الرجال» محمد بن عیسی - که منبع مهم رجالی شیعه در اصول اولیه رجالی شیعه است - را به شکل سماع دریافت کرده است و از این طریق می‌توان به محتوای کتاب دست یافت و آن را باز یافت.

۴- کتاب «الدلائل» علی بن محمد الصیرفی یکی از منابع «الممدوحین و المذمومین» محمد بن مهران و یکی از منابع مورد استفاده جبریل در انتقال روایات است و از این طریق روایات آن به رجال کشی راه یافته و یکی از منابع آن به شمار می‌رود.

۵- با توجه به روایت ۱۳۳ و یکسانی سند آن با روایت ۱۳۲ از کتاب «اختیار معرفه الرجال» و شناسایی مضمون اصلی کتاب و تطبیق آن با دیگر روایات جبریل مشخص گردید که صاحب کتاب «مفاخر الکوفة و البصرة» شخصی به غیر از جبریل است چرا که موضوع روایات جبریل هم‌نوا با رسالت برآمده از نام آن کتاب نیست و از اشخاص و موضوعات غیر کوفی و بصری سخن می‌گوید. در تشخیص نویسنده آن احتمال‌های مختلفی قابل بیان است برخی آن را به کشی نیز نسبت داده‌اند اما بر اساس حلقه مشترک حاضر در سند خصیبی و کشی گمان تعلق آن به «احمد بن النضر» قوت گرفت.

۶- با تحلیل روابط معنایی میان روایات هر مدخل مشخص گردید که کشی از روایات جبریل غالباً با رویکرد شاهد، تفسیر و تکمیل دیگر روایات بهره برده و رویکرد دفع و پاسخ روایات جبریل را به ندرت به کار بسته و در مواردی روایات جبریل را محور و اساس یک بحث یا معرفی یک راوی قرار می‌دهد.

۷- هر چند جبریل از مشایخ غالی و روایات با مضامین غلو بهره گرفته لیک کسی با توجه به قرائن صدور سندی از غالب این روایات در جهت تفسیر و تکمیل دیگر روایات سود جسته است.

۸- در تحلیل روایات جبریل گرایش وی به یونس و محمد بن عیسی بن عبید در اندیشه‌های کلامی مشخص گردید و کثرت روایات جبریل در ذم زراره خود حاکی از جهت‌گیری منفی وی با اندیشه‌های کلامی و حدیثی او است.

۹- براساس تمام نقل‌های جبریل از مشایخ خود و راویان در رجال کشی مینامند بودن جبریل به عنوان یک رجالی نص‌گرا در نقل روایات در مباحث حدیثی و کلامی و رجالی قابل استنباط است.

۱۰- ارتباط جبریل بن احمد با برخی از غالیان غیر قابل انکار است و این ارتباط می‌تواند زمینه اتهام به وی در داشتن تفکر غالیانه را مطرح کند هر چند که هیچ‌یک از روایات وی از دایره اندیشه‌گانی شیعه خارج نبوده تا جایی که به طور خاص روایت غالیانه به شمار آید. زین روی احتمال بهره‌برداری اندیشمندانه از مشایخ غالی در دریافت روایت برای وی مطرح می‌شود.

منابع

- آذری‌فرد، مهدی، و حسین ستار. "بازی‌وهی رجال کشی در لسان‌المیزان عسقلانی". علوم حدیث ۲۸، (۱۴۰۲): ۷۱-۹۷.
- ابن‌شمانل قطیعی بغدادی، صفی‌الدین عبدالؤمن، مراصد الاطلاع علی أسماء الأمکنه والبقاع، بیروت، دارالجمیل، ۱۴۱۲ق.
- ابن‌غضائری، احمد بن حسین، الرجال لابن‌الغضائری، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.
- ابن‌فقیه، احمد بن محمد، کتاب البلدان، بیروت، عالم‌الکتب، ۱۴۱۶ق.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- ابن‌ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت، دارالمعرفة، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
- انصاری، حسن، ۱۳۹۲ش، بررسی‌های تاریخی - جبریل بن‌احمد الفاریابی و انتساب کتابی به او، حلقة کاتبان (kateban.com).
- باقری، حمید. "جبریل بن‌احمد الفاریابی و کتاب مفاخر الکوفة والبصرة وی". کتاب شیعه، ۴ (۱۳۹۰): ۱۵۶-۱۷۲.
- برقی، احمد بن محمد، الرجال، همراه رجال ابن‌داوود حلی، تصحیح: جلال‌الدین محدث ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- تمیمی‌سمعانی مروزی، عبدالکریم بن منصور، الانساب، حیدرآباد، مجلس داتره‌المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ق.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة، ۱۴۱۱ق.
- حسینی‌زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

- حلی، حسن بن علی، الرجال، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
- حلی، حسن بن یوسف، رجال العلامة المحلی، قم، الشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵ م.
- خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت، البلاغ، چاپ چهارم، ۱۴۱۱ ق.
- _____، فقه الرسالة الرستباشیة اصول العقیدة النصیریة (العلویة)، بی جا، بی نا، ۲۰۱۵ م.
- خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و طبقات الرجال، بی جا، بی نا، ۱۳۷۲ ش.
- رحمان ستایش، محمداکظم، جدیدی نژاد، محمدرضا، بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴ ش.
- زراری، احمد بن محمد، رساله ابی غالب الزراری الی ابنه فی ذکر آل اعیان و تکملتها بابن الغضائری، قم، مرکز البحوث و التحقیقات الاسلامیة التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۹ ش.
- سلیمانی، لیلا، محمدحسن صانعی پور، ناصر نیستانی، و لیلا السادات مروّجی. "بررسی روایات جرح هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمن براساس داده‌های سندی-متنی روایات رجالی". مطالعات فهم حدیث ۱۰، (۱۴۰۲): ۸۱-۱۰۸. doi:10.30479/mfh.2023.18305.2215
- شبیروی زنجانی، محمدجواد، التعليقات الرجالیة، قم، مرکز کامپیوتری نور، بی تا.
- شمشیری، رحیمه. "تحلیلی بر دیدگاه ابن غضائری پیرامون ابوبصیر مرادی". مطالعات فهم حدیث ۶، (۱۳۹۹): ۱۴۵-۱۶۰. doi:10.30479/mfh.2020.2076
- شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داور، ۱۳۸۵ ش.
- _____، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
- _____، معانی الأخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
- طلال، علامه، نشاه النحو العربی فی مدرستی البصرة و الکوفة، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۲ م.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- _____، رجال الطوسی، قم، جامعه المدرسین فی حوزه العلمیه بقم، چاپ سوم، ۱۴۲۷ ق.
- _____، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ ق.
- عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ ق.
- کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفه الرجال، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ ق.
- _____، رجال الکشی - اختیار معرفه الرجال (مع تعليقات میرداماد الأسترآبادی)، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۳۶۳ ش.
- محمد بن سلمان، مفاخرة بین المکه المکرمة و المدینة المنوره، مدینة، دارالافاق العربیة، ۱۴۱۹ ق.
- مهلبی عزیزی، حسن بن احمد، الکتاب العزیزی أو المسالك والممالك، بی جا، بی نا، بی تا.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، جامعه المدرسین فی حوزه العلمیه بقم، ۱۳۶۵ ق.
- نویختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، کربلا، مجمع الامام الحسین (ع) العلمی لتحقیق تراث اهل البيت، ۱۴۳۹ ق.